

راهکارهای بیشینه سازی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس
محمد جواد رشیدی^۱ - ابومحمد عسگرخانی^{۲*} - مریم مرادی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

چکیده:

قدرت بازدارندگی از مؤلفه‌های قدرت دفاعی و توان یک کشور محسوب می‌شود. بر همین اساس و با توجه به ابزارها و راهکارهای متفاوتی که پیش‌روی کشورهای مختلف قرار دارد، رویه‌های متفاوتی نیز برای افزایش توان بازدارندگی وجود دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی راهکارهای بیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس است. سؤال پژوهش این است که مهم‌ترین راهکارهای بیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس کدام هستند؟ پاسخی که می‌توان به این سؤال ارائه نمود این است که مؤلفه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران براساس شرایط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران، ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی، خارج کردن قدرت‌های فرامنطقه‌ای از خلیج فارس و همچنین حمایت از گروه‌های همسو با منافع ایدئولوژیکی می‌باشند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس، بیشینه‌سازی

JPIR-2101-1747

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

^۲ - دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران: نویسنده مسئول

asgarkha@ut.ac.ir

^۳ - استادیار گروه روابط بین الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

مقدمه

دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران سیاسی در صحنه نظام بین‌الملل همواره با تهدیدات بالقوه و یا بالفعل متعددی روبرو هستند. بر این اساس دفع تهدیدات واقعی و یا آمادگی نشان دادن برای دفع تهدیدات بالفعل بخش مهمی از دغدغه نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود. این تهدیدات در مناطقی که از حساسیت بالایی برخوردار هستند و بازیگران دولتی، فرادولتی و فرودولتی و همچنین بازیگران فرامنطقه‌ای در این تحولات نقش دارند از اهمیت بالاتری برخوردار است. منطقه خلیج‌فارس که در آن بازیگران مختلف برای تصاحب و به‌دست آوردن توان و قدرت بیشتر در آن حضور دارند، یکی از مناطق حساس و استراتژیک جهان معاصر به شمار می‌رود. وجود گروه‌های مذهبی و قومی متعدد، وجود منابع زیرزمینی نظیر نفت و همچنین ظهور گروه‌های رادیکال و تروریستی از جمله دلایلی است که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه را به سمت تفکر بازدارندگی سوق دهد.

بیان مسئله

علاوه بر تهدیدات و پیچیدگی‌هایی که در این منطقه مشاهده می‌شود، برخی زمینه‌های همکاری نیز وجود دارند که در واقع به عنوان پیدا کردن نظم در دل منطقه آشوبی و پیچیده خلیج‌فارس است. بازدارندگی، سیاستی پیشگیرانه است که تحقق آن از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها است. بازدارندگی نوعی دیپلماسی است و نباید آن را تنها راهبردی برای جنگیدن دانست. بنابراین به‌کارگیری آن به معنای تلاش برای صلح و به اصطلاح برقراری دیپلماسی برای حل مشکلات گوناگون است. اما این تلاش‌ها هرگز به معنای دست شستن از آرمان‌های یک نظام سیاسی نیست. به همین دلیل تلاش رویکرد بازدارندگی در مناطق پیچیده نظیر خلیج‌فارس این است که راه‌حلی برای مشکلات متعدد بیافریند. بر همین اساس، منطقه خاورمیانه و اتخاذ رویکرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه پر آشوب و پیچیده می‌تواند قابل توجه باشد. با در نظر گرفتن مسائل مذکور، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه خاورمیانه و منطقه خلیج‌فارس همواره با تهدیداتی روبرو است که برای دفع آنان نیازمند بهره‌گیری از توان بازدارندگی است. این بازدارندگی هم در داخل و هم در خارج از مرز-های ایران وجود دارند و با توجه به وجود شرایط لازم می‌تواند از آنان بهره‌بردار. پژوهش حاضر به بررسی راهکارهایی می‌پردازد که می‌توانند در زمینه قدرت بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران مفید و مؤثر باشند.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران برخی پژوهش‌ها به این مسأله توجه

نشان داده‌اند، از جمله:

قاسمی (۱۳۸۶) در مقاله "نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران" چنین بیان می‌کند که آنچه در منطقه خاورمیانه برای بازدارندگی در سیاست خارجی ایران دارای اهمیت می‌باشد، نخست حضور آمریکا و دوم هسته‌ای بودن رژیم صهیونیستی است که به دلیل رابطه خصومتی هر دو با ایران، عملاً منطقه را به درون حوزه بازدارندگی ایران وارد می‌سازد. نوری فرد (۱۳۸۶) در مقاله "بازدارندگی، مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن (مطالعه موردی ایران و آمریکا)" بدین نتیجه رسید که عقلانی‌اندیشیدن و راهبردی عمل کردن و تکیه بر عنصر دانایی از جمله عوامل اصلی در تقویت سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت خویش است. اتکا بر تکنولوژی و توان بومی نیز راهکارهای مناسبی برای مقابله با تهدیدات ایالات متحده و افزایش توان بازدارندگی است. ترابی (۱۳۹۰) نیز در اثری با عنوان "فرهنگ راهبردی و بازدارندگی ایران" بر این باور است که مقابله با تهدیدات عینی از جمله دلایل روی آوردن جمهوری اسلامی ایران به سیاست بازدارندگی است. بیگانه هراسی (با نماد غرب‌ستیزی و آمریکاستیزی) اصلی از هویت و فرهنگ راهبردی و مبنای تصمیم‌گیری و سیاست‌های خارجی و اعلاتی جمهوری اسلامی ایران است. وجود این اصل باعث گسترش اختلاف‌ها با کشورهای غربی و در نتیجه گسترش تقابل شده و نیز مبنایی برای افزایش بازدارندگی ایران در برابر تهدیدهاست. کوشکی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله "خروج آمریکا از برجام و مقابله با راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران" بدین نتیجه رسیدند که خروج آمریکا از برجام و مقابله با راهبرد بازدارندگی نامتقارن ایران نشان می‌دهد که اگرچه دال مرکزی این پدیده متغیر فردی و شخصیتی ترامپ است، اما سایر متغیرها، به‌رغم تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، بیشتر در نقش عوامل واسطه، تحریک‌ساز و تأثیرگذار فرصت‌جویانه در بستر شرایط شخصیتی ترامپ ظاهر شده‌اند. فتحی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در مقاله "جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی" بدین نتیجه رسیدند که پیامدهای مطلوب راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی نظیر مقابله با تهدید تروریسم، موازنه نامتقارن در برابر دشمنانی نظیر آمریکا و اسرائیل، تقویت عمق استراتژیک و در نهایت حفظ و تثبیت امنیت سرزمینی باعث شده تا در سپهر سیاست خارجی ایران جایگاه بسیار مهمی داشته باشد.

با در نظر گرفتن مسأله بازدارندگی در سیاست خارجی ایران، نقاط اشتراکی میان پژوهش‌های ذکر شده و پژوهش حاضر دیده می‌شود. اما آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها می‌شود، توجه به راهکارها و مبنای بیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی ج.ا.ایران در منطقه خلیج

فارس است که تاکنون در پژوهش خاصی مورد توجه قرار نگرفته است.

مفهوم شناسی

بازدارندگی در اصطلاح حقوقی نوعی عمل و رفتار است که از بروز رفتارها در آینده جلوگیری می‌نماید و ناظر بر تحولات آینده و پیش‌رو است. از منظر حقوقی، بازدارندگی، محکوم‌علیه را از تکرار دوباره عمل باز می‌دارد. حامیان تئوری بازدارندگی در حقوق کیفری بر این عقیده هستند که وظیفه بازدارندگی زمانی بهتر است که مجازات سریع، مشخص و قاطعی به دنبال داشته باشد. اما بازدارندگی در عرصه علوم سیاسی دارای معانی خاصی است که به طور مشخص بر رفتار بازیگران سیاسی برای مقابله با تخاصمات موجود در محیط پیرامون است. بدین معنا که شیوه‌های عمل خود را در حوزه‌های امنیتی و سیاسی به گونه‌ای طراحی کنند که بتوانند مصونیت بیشتری برای آنان به وجود بیاورد. بازدارندگی راهی برای دستیابی به صلح و استقرار آن است و به‌منظور متقاعد کردن طرف مقابل، از این راه حل استفاده می‌شود که میان راه‌های ممکن، تجاوز کمترین اثر را دارد. (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۳)

خلیج فارس

منطقه خلیج فارس در قسمت جنوب غربی آسیا قرار دارد و در یک نگاه جامع شامل هشت کشور است که اغلب آنها کشورهای عربی هستند؛ عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات عربی متحده، عمان، عراق و ایران. (Kishk, 2014: 9) با این حال به دلیل تفاوت‌های مذهبی، قومی، فرهنگی و سیاسی همواره تنش و کشمکش به‌عنوان مؤلفه اصلی منطقه خلیج فارس مطرح شده است. به‌علاوه وجود نفت و قرار گرفتن در موقعیت استراتژیک بر اهمیت این منطقه افزوده است.

مبانی نظری تحقیق؛ وجوه بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

از وجوه و نشانه‌های بارز بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، اعلام این مسأله بود که سیاست و دیانت در اسلام می‌توانند باعث افزایش قدرت و توان بازدارندگی نظام‌های سیاسی اسلامی شوند. به همین دلیل، پیش‌قراولی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، تهدیدی برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز در نظر گرفته می‌شود. توضیح اینکه، کشور ایران در نقطه حساسی و تهدیدآمیزی از جهان واقع شده است که همواره با همسایگان خود مخصوصاً اعراب دارای چالش‌های فراوانی بوده است. از این‌رو نیازمند قدرت و توان بازدارندگی است. بیشتر به این دلیل که دو تمدن پارسی و عربی به عنوان زمینه‌ای برای تنش‌های دو طرف [گرایش‌های شیعی و سنی مختلف یکدیگر در خاورمیانه] محسوب می‌شوند. همچنین قاره آسیا که سرشار از تنش‌ها و تهدیدها می‌باشد، این کشورها را احاطه کرده است.

(Takagi,2012:1) علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فقه شیعه بنا شده است. به همین جهت است که نظام‌های سیاسی منطقه از فراگیری نظام سیاسی شیعی در منطقه هراسناک هستند. فقه شیعه بر مبنای آنچه امام خمینی بیان کرده بود، مشروعیت رژیم‌های سیاسی جور (اعم از نظام‌های غیرمذهبی و نظام‌های مذهبی وابسته به دشمنان اسلام) را به چالش می‌کشد و بر این عقیده است که فقه شیعه مبنای کاملی برای اداره حکومت در جوامع اسلامی است. به بیان ایشان؛ فقه، تئوری کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۲۱: ۹۸) ایشان در فقه‌های به ارتباط تنگاتنگ دین و سیاست در اسلام اشاره می‌کند و معتقد است که اسلام از همان ابتدا دینی سیاسی بوده است و پیامبر گرامی اسلام (ص)، اداره سیاست و جامعه را نیز بر عهده گرفته بود. به تعبیر ایشان: «سیاست، خدعه نیست. یک حقیقتی است، سیاست یک چیزی است که مملکت را اداره می‌کند؛ خدعه و فریب نیست. اینها همه‌اش خطاست. اسلام سیاست است، حقیقت سیاست است، خدعه و فریب نیست». (امام همان، ج ۱۰: ۱۲۵).

چنین به نظر می‌رسد که بر مبنای تئوری «یکی بودن دیانت و سیاست»، مشروعیت بسیاری از نظام‌های اسلامی نیز مورد تردید واقع می‌شود. نظام‌های اسلامی که با دور نگه داشتن مذهب از سیاست سعی می‌کنند جوامع اسلامی را اداره کنند، شامل نظام‌های سیاسی نامشروع می‌شوند. بر این اساس، سیاست مشروع و اسلامی آن چیزی است که راهنمای کاملی برای اداره جامعه اسلامی باشد. از نظر امام خمینی: «سیاست این است که جامعه را اداره کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها صلاح افراد است و این مختص انبیا است. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص انبیا و اولیا است و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام». (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۴۴)

دین اسلام و مخصوصاً مذهب شیعه از نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برنامه جامعی برای اداره زندگی بشری عرضه می‌کند که می‌تواند راه سعادت ملت را نشان دهد. چنانچه «سیاست از نظر امام، شأنی از شئون نبوت و امامت بوده و انفکاک این دو از یکدیگر بی معناست. معنای سیاست در این طرز تلقی، اصلاح آدمیان و هدایت آنان به سوی مقاصد و اغراضی است که در خلقتشان مدنظر بوده است. به همین دلیل، جدایی حوزه سیاست از حوزه دیانت (نبوت و امامت) که در تجربه تاریخی غرب در شکل سکولاریسم نمود یافته، در واقع جدایی امر واحدی است که وحدت نفس الامری دارد. امام نیز به تبعیت از ملاصدرا، سیاست را ذیل و ظل دیانت مندرج می‌داند و می‌کوشد چنان تعریفی از دیانت و کارویژه‌های آن عرضه دارد که سیاست را همچون بخشی از شرح وظایف خود پوشش دهد. نتیجه عینی و عملی این تلفیق و ترکیب، واگذاری حوزه سیاست عملی و کشورداری به فقها و علما است که در قالب «ولایت فقیه»

تجلی می‌کند. البته معنای دیگر و ضمنی واگذاری سرنوشت دین و سیاست به اجتهاد و تفقه مجتهدان و فقها در دوره غیبت معصوم^(ع)، آن است که عقل بشری می‌تواند با استمداد از وحی و استنباط از کتاب و سنت، امور عمومی و حاکمیت را تولیت و مدیریت کند. اگر در دوره معصوم^(ع)، استمرار کارویژه‌های نبوت در فهم و تفسیر و تبیین معانی باطنی آیات، مستلزم بهره‌مندی از فیض الهی و ملکه عصمت است، در دوره غیبت، «عقل مستمد از وحی» و «نه منفصل از آن»، در چارچوب «مبانی دینی» و «عقلانیت عصر» و به تناسب «اقتضائات زمانی و مکانی» آن کارویژه‌ها را تداوم می‌بخشد». (بیات و بیات، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۳۰)

در این تعبیر دین اسلام دینی سیاسی تلقی می‌شود که علاوه بر پرداختن به جنبه‌های فردی نظیر عبادات و تنظیم رفتارها و عادات فردی، به جنبه‌های جمعی نیز نظر دارد و درصدد هدایت آنان نیز بر می‌آید. این‌گونه نیست که شریعت اسلام تنها به جنبه‌های زندگی بشری پرداخته باشد و نسبت به مناسبات اجتماعی و از جمله مناسبات سیاسی و حکومتی هیچ نظری نداشته باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۲) پر واضح است که برپایی حکومت اسلامی بر مبنای فقه شیعی، مطرح شدن اصل ولایت فقیه، مقابله به ظلم و جور و استکبار جهانی، نفی حکومت‌های پادشاهی و تأکید بر رأی و نظر مردم باعث متمایز شدن جمهوری اسلامی ایران و نظام‌های سیاسی در منطقه خلیج فارس می‌شود. بدین ترتیب امام خمینی در سال ۱۳۵۷ توانست مجموعه‌ای از مفاهیم و دال‌ها را حول دال مرکزی اسلام قرار دهد و با خوانش جدیدی از دین اسلام، بنیان‌های حکومت اسلامی را پایه‌ریزی کند. (اطهری و عباسی شاهکوه، ۱۳۹۳: ۱۶) به نظر می‌رسد اغلب این مفاهیم در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای باعث به چالش کشیده شدن گفتمان‌های وابسته به غرب در منطقه شده بود. بیشتر به این خاطر که نظام سیاسی جمهوری اسلامی، قدرت‌های جهانی را نیز به چالش می‌کشید. به نظر می‌رسد این مسأله در مسائل منطقه-ای و سیاست خارجی ایران و کشورهای منطقه از جمله کشورهای عربی که گرایش اغلب آنان سنی است، بیشتر نمایان می‌شود و اختلاف‌های متعددی را پدید بیاورد.

با در نظر داشتن شرایط فوق، جمهوری اسلامی ایران هم با تهدیداتی متعددی روبرو است و هم اینکه منشأ بسیاری از تهدیدات ناشی از رفتارهای بازیگران فرامنطقه‌ای در خلیج فارس است. به همین منظور، دفع این تهدیدات نه با تهدیدات نظامی و آشکار، بلکه با بهره‌گیری از ابزارها و امکاناتی که در دسترس است، می‌تواند به بیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران کمک نماید. هدف از بازدارندگی در واقع ارائه سیاستی برای جلوگیری از درگیری و خشونت و ارائه راه حلی برای دفاع مؤثر در زمینه‌های مختلف است. در واقع هدف نهایی از سیاست بازدارندگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای دفع خطرات و

حرکت به سمت صلح در منطقه خاورمیانه است. بازدارندگی راهی برای دستیابی به صلح و استقرار آن است و به‌منظور متقاعد کردن طرف مقابل، از این راه حل استفاده می‌شود که میان راه‌های ممکن، تجاوز کمترین اثر را دارد. (عسگری، ۱۳۹۰: ۱۳) به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران نیازمند آن است تا با بهره‌گیری از رویکرد عمل‌گرایانه در سیاست خارجی به طرف‌های مقابل و حتی متخاصم خود در منطقه بقبولاند که گفتگو و حل مسالمت‌آمیز اختلافات به نحو بهتری می‌تواند مشکلات منطقه را حل نماید. چه اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره در سیاست خارجی خود با تهدیدات استراتژیکی روبه‌رو می‌باشد که به‌نوعی ناشی از متغیرهای پایدار سیستمی اعم از سیستم داخلی، منطقه‌ای و جهانی است که قدرت و بازدارندگی سیاست خارجی از عوامل اصلی رویارویی با تهدیدات و تبدیل آنها به فرصت می‌باشد.

یکی از ضرورت‌های اساسی برای اینکه ایران وارد حوزه بازدارندگی شود، حضور اسرائیل در منطقه، هسته‌ای بودن این کشور، حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و همچنین تهدیداتی است که از سوی این دو کشور حاصل می‌شود. از این‌رو باید گفت ساخت سیاسی منطقه که ناشی از حضور بازیگران فرامنطقه‌ای است. به عبارتی دیگر، آنچه در منطقه برای بازدارندگی در سیاست خارجی ایران دارای اهمیت می‌باشد، نخست حضور آمریکا در منطقه و دوم هسته‌ای بودن رژیم صهیونیستی است که به دلیل رابطه خصومتی هر دو با ایران عملاً منطقه را به درون حوزه بازدارندگی ایران وارد می‌سازد. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۸۱) در همین راستا، سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نوعی دشمن‌شناسی در منطقه خاورمیانه و مقابله با تهدیدات ناشی از آن است.

راهکارهای پیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی ایران

بازدارندگی ج.ا. ایران و هویت شیعی

مولفه‌ها و مصادیق دیپلماسی عمومی ایران با توجه به ماهیت نظام‌های حاکم بر کشورهای منطقه متفاوت بوده است. بدین معنا که ایران در کشورهای همسو نظیر عراق، فلسطین و لبنان و سوریه از توانایی بیشتری در زمینه دیپلماسی عمومی هوشمند برخوردار بوده است. سرنگونی رژیم صدام حسین فرصتی برای ج.ا. ایران فراهم کرد و موجب گسترش عمق راهبردی آن شد. پس از تشکیل حکومت جدید در بغداد، جمهوری اسلامی ایران رسماً از ایجاد عراقی با ثبات، امن و مستقل حمایت کرده است. در واقع ج.ا. ایران در صدد برآمد تا از مولفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق استفاده کند و تلاش کرد شیعیان این کشور به حقوق تضيع شده خود دست یابند تا از این طریق بتواند قدرت بازدارندگی خود را در منطقه خاورمیانه نیز افزایش دهد. همچنین ایران برای کمک به توسعه شهرهای عراق پروژه‌های زیربنایی نظیر

مدرسه و بیمارستان را به انجام رسانیده است. این تلاش‌ها بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم جنوب عراق و کمک به توسعه این مناطق محسوب می‌شود. بنابراین محور اصلی در راستای بهینه‌سازی جهت‌گیری نفوذ نرم ایران در عراق، راهبردی کردن این نفوذ به وسیله حوزه عمومی و دیپلماسی هوشمند با گروه‌های سیاسی طرفدار ایران یا به عبارت دیگر عنصر هویت مشترک شیعی در حاکمیت سیاسی عراق است. این عنصر جهت دهنده می‌تواند زمینه تقویت تعاملات راهبردی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی-امنیتی در سطح دو دولت باشد. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۱۹۹)

پس از تشکیل جمهوری اسلامی در عراق، جمهوری اسلامی ایران رسماً از عراقی‌باثبات، امن و مستقل که در عین دوستی با ایران، قادر و مایل به کاهش نفوذ ایالات متحده آمریکا در تحولات داخلی عراق باشد حمایت کرد، اما شکل‌گیری عراق نوین با ویژگی‌های متفاوت از ساخت قدرت و سیاست، ضرورت تعریف نوین از نقش و موقعیت عراق در سیاست نرم و دیپلماسی هوشمند جمهوری اسلامی ایران با این کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. اهمیت عراق بیش از هر چیز به دلیل فراهم آوردن ظرفیت‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی ایران در سطح روابط دوجانبه، منطقه‌ای و روابط با قدرت‌های بزرگ بوده است. (نوزانی و عبادی، ۱۳۹۶: ۱۰۱) بنابراین در امر ساخت توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، عراق نقشی مهم و اساسی بازی می‌کند. زیرا دولتی مؤثر در جوار خود می‌بیند که از ظرفیت فرهنگی فوق‌العاده‌ای برای گسترش توان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز برخوردار است.

بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در کشور فلسطین نیز دارای اهمیت فراوانی است. دیپلماسی عمومی و فرهنگی ایران در فلسطین نیز از عمق زیادی برخوردار بوده است به طوری که درباره اهداف دیپلماسی فرهنگی ایران در فلسطین باید دو محور عمده را از یک دیگر باز شناخت. نخست، اهداف معطوف به گروه‌های فلسطینی و مردم آن و دوم اهداف معطوف به افکار عمومی جهان درباره فلسطین. درباره محور نخست باید گفت که به‌رغم جدی بودن متولیان دستگاه دیپلماسی به منظور درک، مطلع کردن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم فلسطین و تبادل ایده‌ها، اطلاعات و هنر به دلیل وضعیت خاص حاکم بر فلسطین و نیز ضعف ساختاری دستگاه دیپلماسی فرهنگی کشور این امر مهم تاکنون به نحو مطلوب اتفاق نیفتاده است. درباره محور دوم، دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران در تلاش است با شکل‌دهی به یک چشم‌انداز و هم‌آوایی نظری گسترده در فراسوی محدوده زمانی و مکانی مشخص از جهانشمولی آرمان فلسطین سخن بگوید. تأکید بر ابعاد آرمان شمول فلسطین در عرصه جهانی در چهارچوب گفتمان‌های حقوق بشری ایجاب می‌کند تا ضمن تفهیم پیچیدگی‌های یک درک عینی از

تراژدی اشغال فلسطین به یک راه حل کلی برون رفت از بحران که مورد تأیید افکار عمومی جهان است، دست یافت. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰: ۷۳) از جمله اقدامات ایران در این زمینه برگزاری مجموعه‌ای از نشست‌های بین‌المللی بیداری اسلامی با توجه به تحولات اخیر خاورمیانه بوده که همواره تلاش شده است از این طریق آنها نسبت به برقراری ارتباط با نخبگان منطقه‌ای و موضوع فلسطین در حاشیه و نیز در متن همایش پرداخته شود. در رابطه با دیپلماسی عمومی و هوشمند ایران در سوریه نیز باید گفت که جمهوری اسلامی ایران در رقابت با دیگر کشور-های منطقه از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در کنار قدرت سخت خود استفاده می‌کند تا بتوانند نفوذ و هژمونی منطقه‌ای خود را تثبیت و تقویت کند. ایران از فرصت‌ها و امکانات مناسب و متفاوتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در سوریه برخوردار است. البته موفقیت نسبی ایران بستگی به استراتژی کشور نیز دارد و این موفقیت‌ها و ناکامی‌ها همیشه و در همه زمینه‌ها نیست. (اطهری و حاجی مینه، ۱۳۹۴: ۷۳) به هر ترتیب آنچه روشن است اینکه بخش مهمی از اهداف بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بر محوریت گروه‌های شیعی و یا دولت-های همسو با اندیشه‌های شیعی پیوند یافته و به پیش خواهد رفت. این رویکرد به نوبه خود می‌تواند قدرتی بازدارنده برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید و برای مقابله با برخی تهدیدات بالقوه و بالفعل مؤثر واقع گردد.

بیداری اسلامی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران از زمان تأسیس تا به امروز، اهداف فرامنطقه‌ای خود را نیز دنبال می‌نمود. این رویکرد هرچند به تخصم و تعارض با سایر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز منجر شده است، اما فعالیت در خارج از مرزهای ایران، قدرت بازدارندگی را در داخل ایجاد نموده است. در راستای همین مسأله و با توجه به اهمیت صدور انقلاب در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، حمایت از گروه‌های آزادی‌خواه و مستقل، گامی برای بازدارندگی محسوب می‌شود. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران، همواره خود را حامی مستضعفان و ملت‌های ستمدیده در منطقه و جهان می‌داند. این حمایت به طریق اولی توجه بیشتری به کشورهای مسلمان و همسایه می‌اندازد. به همین دلیل، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، پدیده‌ای با نام صدور جهانی آن را نیز پدید آورده بود (Al Hassan, 2014:13) چنانچه این مسأله به خوبی در کلام بنیان-گذار نظام جمهوری اسلامی و جانشین ایشان نمایان است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب در دو کلمه "لا تظلمون و لا تظلمون" خلاصه می‌شود. ایشان بیان می‌دارد که زیر بار سلطه نرفتن، متضمن و مستلزم عدم وابستگی به ساختاری‌های قدرت سلطه‌گر و نیز عدم تعهد به قدرت‌های مستبد می‌باشد. در بیان این اصل

می‌فرمایند: مسلمانان تحت سلطه کفار نباشند. خدا برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند». (امام خمینی، ۱۳۶۸: صحیفه نور، ج ۱۴: ۶۸-۳۶) پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز بر این عقیده است که: «... خصوصیت و پیام‌های ناب، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و لذا ملت‌های مسلمان تحت تأثیر پیام‌های انقلاب اسلامی قرار گرفتند و از حرکت اسلامی مردم ایران الگو برداری کردند و بیداری اسلامی و عزت و اقتدار مسلمانان سراسر عالم را به حرکت درآورد، هر جا مسلمانی بود علیه بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های استکبار و دست‌نشانندگان آنان برآشوبید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۶۴)

با توجه به رویکردهای مطرح شده توسط بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری می‌توان نوعی سیاست بازدارندگی مبتنی بر اندیشه‌های ناب انقلابی و انتقال پیام استکبار ستیزی به منطقه خاورمیانه را به مثابه نوعی تولید قدرت بازدارندگی در نظر گرفت. در رأس این بازدارندگی، مقابله با قدرت‌های بیگانه در منطقه خاورمیانه و همچنین حمایت از ملل آزادیخواه قرار دارد. بیگانه‌هراسی (با نماد غرب‌ستیزی و آمریکاستیزی) اصل دیگری از هویت و فرهنگ راهبردی و مبنای تصمیم‌گیری و سیاست‌های خارجی و اعلانی جمهوری اسلامی ایران است. وجود این اصل باعث گسترش اختلاف‌ها با کشورهای غربی و در نتیجه گسترش تقابل شده و نیز مبنایی برای افزایش بازدارندگی ایران در برابر تهدیدهاست. (ترابی، ۱۳۹۰: ۲۶) به نظر می‌رسد از ارکان کلیدی در ساخت سیاست خاورمیانه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و همچنین نظام‌های محافظه‌کار در خاورمیانه، تلاش برای انزوا و تضعیف موقعیت نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی بالقوه در سطح منطقه است. از آنجایی که بیداری اسلامی در کشورهای مصر، بحرین، لیبی، تونس و حتی عربستان در جهت منافع تهران و مخالف منافع دولت‌های غربی بود، دولت‌های غربی برای تغییر نتایج بر شدت عمل خود جهت فشار بر ایران افزودند. بر این اساس دولت‌های غربی به ویژه تلاش کردند تا با حفظ ساختار حکومت و اصلاحات سیاسی در مصر، بحرین، از تغییرات بنیادین در این کشورها جلوگیری نمایند و با ایجاد تصنعی بیداری اسلامی در سوریه و حذف یکی از مهره‌های اصلی محور مقاومت، موجبات تضعیف جایگاه و موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه فراهم آورند. (خانی و نوری-ساری، ۱۳۹۲: ۷۶) در این زمینه نیز ایالات متحده به همراه بریتانیا تلاش می‌کنند تا با حمایت از نظام‌های پادشاهی در این کشورها، جایگاه مستحکمی در منطقه پیدا کند.

در هر صورت ماهیت برخی از انقلاب‌های عربی از آن جهت که در راستای استکبارستیزی و مقابله با هژمون آمریکا عمل نمایند، گامی در راستای قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی

ایران محسوب می‌شوند، زیرا به وضوح، امکان دفاعی ایران را در خارج از مرزها مستحکم می‌سازد. به طوری که گفته می‌شود: «در واقع انقلاب‌های عربی باعث بروز تحولات اساسی و تغییرات جدی در ماهیت دولت‌های محافظه کار عرب در خاورمیانه شده است و امنیت آن نه فقط برای کشورهای آن منطقه، بلکه برای قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای از جمله امریکا بسیار مهم است. از این رو قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه خاورمیانه، تلاش مجددانه‌ای برای حضور و تأمین منافع خود در منطقه به کار بسته‌اند» (کریمی و ترکاشوند، ۱۳۹۴: ۱۰۱) زیرا تغییراتی که ممکن است در ساختار محافظه کاری نظام‌های موجود در خاورمیانه پدید آید، به نوبه خود باعث تقویت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

بیداری اسلامی در طی سال‌های اخیر باعث صف‌بندی‌های شیعی- سنی در منطقه خلیج فارس شده است و گرایش کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به راهکارهای جدید امنیتی را سبب شده است و مجموعه امنیتی را تداوم بخشیده است. این مسأله درباره بحران‌های سوریه، یمن، بحرین و سایر کشورهای عربی مشکلات امنیتی متعددی را میان طرفین پدید آورده است. تداوم روابط امنیتی بر اثر بیداری اسلامی به این دلیل است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، قدرت گرفتن گروه‌های شیعی و سقوط نظام‌های پادشاهی را به ضرر خود تلقی می‌کنند. این مسأله از آن جهت حائز اهمیت است که یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس یعنی بحرین قابلیت مهمی دارد که شیعیان در این کشور به قدرت برسند. بنابراین ایجاد ناامنی در بحرین به معنای ناامنی همه اعضای شورای همکاری خلیج- فارس تلقی می‌شود. به هر حال، آنچه که در این میان مهم است تأثیر قوام‌بخش انقلاب ایران در تکوین و تقویت گروه‌های اسلامی سیاسی و گفتمان انقلابی است که بازیگران متضاد و مخالف را در امتداد جنبش‌های اجتماعی غیردولتی و فرادولتی متنوع سامان داده است. بنابراین در تحلیل معادلات قدرت در هندسه جدید خاورمیانه و در تخمین روندهای آتی دگرگونی در این منطقه باید از صرف بررسی هدف و کنش بازیگران دولتی فراتر رفت و به ارزیابی نفوذ و دامنه فعالیت گروه‌های غیردولتی و سازمان‌های مستقل یا نیمه‌مستقل از دولت پرداخت. در این میان گفتمان اسلام سیاسی برگرفته از انقلاب ایران محرکی برای بسیاری از این گروه‌ها بوده است (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

به نظر می‌رسد از منظر برخی کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران و همپیمانان منطقه‌ای آن، خطری برای آینده نظام‌های سیاسی آنان محسوب می‌شوند. این واقعیت به همراه استقرار بیش از ۶۰ درصدی منابع نفتی در مناطق

شیعه‌نشین خاورمیانه و رشد سیاسی جوامع شیعی در دهه اخیر، موجب تحول ژئوپولیتیک شیعی منطقه شده است. بنابراین، ایران با بیشترین جمعیت شیعی، پیوستگی مذهب تشیع و منافع ملی در سیاست خارجی و به‌عنوان تنها دموکراسی منطقه خلیج فارس (به همراه عراق کنونی)، در مرکز ثقل قدرت قرار گرفته است. در مقابل، عربستان سعودی به سمت ائتلاف-سازی و تشکیل بلوک کشورهای سنی علیه بلوک شیعی ایران سوق یافته است. (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۶: ۹۹) بدین ترتیب الگوی دوستی-دشمنی میان ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و به طور کلی ایدئولوژی اهل سنت به شدت بر ادراک، رفتار و تصمیمات منطقه‌ای بازیگران مؤثر است. در هر صورت گسترش و حمایت از گروه‌های شیعی در منطقه خاورمیانه به معنای گسترش نفوذ ایران در منطقه و به تبع آن افزایش قدرت بازدارندگی خواهد بود.

به نظر می‌رسد گسترش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، گواهی بر بازدارندگی منطقه‌ای ایران در وضعیت آشوبی خاورمیانه است. به عنوان مثال، مسأله بحران یمن حاکی از عمق تنش-ها میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است (Cordeman, 2016: 205) این موضوع به حدی دامنه‌دار شد که با گریختن رئیس‌جمهوری یمن به عربستان سعودی، تنش-های سیاسی در این کشور به اوج خود رسید و گروه‌های شیعی نظیر حوثی‌ها و گروه‌های سنی با حمایت عربستان سعودی، منازعات یمن را تبدیل به یکی از چالش‌های اصلی منطقه خاورمیانه کرده‌اند. در هر صورت، توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه تحت تأثیر گسترش گروه‌های شیعی در منطقه قرار دارد و از این جهت، پیدا کردن گروه‌های همسو حرکتی برای تقویت و تداوم این رویکرد به شمار می‌رود. همچنان که جمهوری اسلامی، بروز این اعتراضات را ناشی از اندیشه‌های فراملی انقلاب اسلامی می‌داند و بدین ترتیب امیدوار هستند که گفتمان اسلام ناب امام بتواند مرزهای ملی را درنوردد و به فراسوی مرزهای ملی نفوذ نماید. (اطهری و حسینی‌شاهکوه، ۱۳۹۳: ۲۴)

بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی

امروزه دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت نرم، نقش اساسی در شکل‌دهی و جهت‌دهی به سیاست خارجی دارد. این نوع از دیپلماسی به واسطه آنکه مخاطب خود را مردم قرار می‌دهد و شکل دادن به افکار عمومی را مدنظر دارد، اخیراً مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و دولت‌ها در تلاش هستند با تاثیر و نفوذ بر افکار عمومی نظر آنان را به سیاست‌ها و جهتگیری‌ها و اقدامات خود جلب کنند و از این طریق منافع ملی خود را تامین کنند. اهمیت این مسئله موجب شده است جمهوری اسلامی ایران که دارای ماهیتی فرهنگی، اسلامی و

انقلابی است بهره‌گیری از این ابزار را در دستور کار خود قرار دهد. (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۹). از این نظر، جمهوری اسلامی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانسته از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره ببرد به ویژه که این انقلاب با شعارها و رسالت‌های مشخص در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی داشته باشد که مهمترین آنها تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم سالاری دینی در چهارچوب فکری رهبری انقلاب، امام خمینی^(ع) است. رهبری که در منطقه و جهان نیز بسیار تأثیرگذار بود و الگوی بسیاری از فعالیت‌ها و جنبش‌های آزادی‌طلبانه تلقی می‌شود. از طرف دیگر گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق تأکید دارد که در این حالت قدرت نرم از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است و می‌تواند رفتار مردم را تعیین کند و تغییر دهد. همچنین ایران در ابتدای پیروزی انقلاب و تا قبل از آغاز جنگ ۸ ساله با عراق، به خوبی توانست از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌ای بر اساس امکانات آن زمان برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان خود بهره ببرد که این امر از جمله اقدامات ایران برای تقویت و هدایت قدرت نرم به شمار می‌رود.

اهمیت به‌کارگیری دیپلماسی عمومی ایران در منطقه و جهان به حدی است که می‌تواند به کاهش تأثیرات تبلیغات منفی برخی از کشورها و رسانه‌ها که در سال‌های اخیر علیه ایران به وجود آمده است، کمک کند. (متین‌فر، ۱۳۹۳: ۳) به هر حال روشن است که جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه فرهنگ غنی و ارزش‌های دینی و انسانی و نیز با داشتن نظام سیاسی نوین و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، از ظرفیت‌های بسیار ارزشمندی برای توسعه دیپلماسی عمومی خود برخوردار است. در این راستا الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در میان ملت‌های مسلمان منطقه، زمینه پذیرش اقدامات فرهنگی ایران را در مناطق حوزه نفوذ در خاورمیانه، آفریقا و ... به وجود آورده است. (نورمحمدی و انواری، ۱۳۹۵: ۱۱۸) بنابراین منطقه خاورمیانه به دلیل قربات‌های فکری، مذهبی، فرهنگی و تاریخی دارای جایگاه ویژه‌ای در به‌کارگیری دیپلماسی عمومی از سوی جمهوری اسلامی ایران دارد. به عبارتی دیگر، تلاش برای رساندن پیام روشن و مبتنی بر اعتماد ملت‌های منطقه به گفتمان انقلاب اسلامی، نوعی تلاش برای افزایش توان بازدارندگی بر مبنای قدرت نرم است.

به هر جهت می‌توان گفت دلایل اختصاصی استفاده از مولفه‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه که در نهایت به افزایش توان بازدارندگی منجر می‌شود، عبارتند از: نخست، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فکری اجتماعی بود که ارزش‌های خاصی را مطرح کرد. این انقلاب با تکیه بر افکار عمومی مردم و با حمایت مردم به پیروزی رسید.

خشونت در آن در حد اندکی بود و اساساً اهداف خود را بیش از آنکه با تکیه بر قدرت نظامی و سازماندهی منسجم نیروهای آموزشی دیده حاصل کند، از طریق ایجاد نگرش منفی در مردم نسبت به حکومت موجود و نگرش مثبت به حکومت موعود برآورده نمود. دوم، جدا از رهبران انقلابیون در تکیه بر قدرت نرم در مبارزه با رژیم شاه و پیروزی بر آن، انقلاب اسلامی ایران از نظر ماهوی و ارزش‌های بنیادی با جوامع دیگر منطقه و به طور کلی با جهان اسلام اشتراکات فرهنگی و مذهبی زیادی دارد. تکیه بر ارزش‌های مشترک اسلامی ویژگی فراملی به آن می‌دهد و جهتگیری مردمی و ارزشی حکومت تالیسی ناشی از این نوع حرکت نمایان‌تر بوده، که در قانون اساسی بر آن تأکید شده و در جهتگیری‌ها و عملکرد بعدی حکومت آشکارتر نیز شده است. در چنین حکومتی مردم و ارزش‌های مردمی چه در داخل و چه در خارج جایگاه والایی در تعیین سیاست‌ها و جهتگیری‌های آن دارند. جمهور اسلامی ایران اهمیت زیادی به برداشت مردم سایر کشورهای اسلامی نسبت به ایران و جمهوری اسلامی می‌دهد و این مسئله را در تعیین سیاست خارجی کشور مهم تلقی می‌کند. (یزدان‌فام، ۱۳۹۴: ۹۰) بنابراین سیاست برقراری ارتباط مستقیم با ملت‌های مسلمان منطقه خاورمیانه و مستضعفان جهان از این نوع نگرش و پیشینه‌ای ناشی می‌شود. ضمن اینکه بیداری اسلامی پس از سال‌های ۲۰۱۱ بر ضرورت این کار نیز افزوده است. هرچند باید این نکته را نیز اضافه کرد در جمهوری اسلامی ایران هیچ ساختار رسمی تحت عنوان دیپلماسی عمومی وجود ندارد.

مسأله هسته‌ای و بازدارندگی برای ایران

مسأله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران یکی از مجادله انگیزترین بحث‌های شکل گرفته میان این کشور و قدرت‌های غربی پس از انقلاب اسلامی بوده است. این موضوع از آن جهت مهم بوده که کشورهای منطقه بر این تصور هستند که شکل‌گیری یک دولت هسته‌ای با ایدئولوژی شیعی می‌تواند به تسلط کامل جمهوری اسلامی ایران بر آنان مسلط شود. از این منظر باید گفت در حال حاضر، مهم‌ترین مباحث میان دو طرف ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس، مسأله هسته‌ای، درگیری‌ها در عراق، تحولات سوریه، ظهور داعش در منطقه، و همچنین اعمال فشارهای امریکا بر علیه ایران هستند. (Alajmi, 2014: 56) در هر صورت بهره‌مندی جمهوری اسلامی از برنامه صلح آمیز هسته‌ای، نقش مهمی در سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه ایفا خواهد نمود. از این جهت برای حفظ این دستاورد نیازمند سیاست مقاومت همراه با مذاکره نیز هستیم. بدین معنا که در عین توجه به داشته‌های خویش و تکیه بر ابزار دیپلماسی، حقانیت خود را در این مسأله اثبات نماییم.

توضیح اینکه فشار علیه برنامه هسته‌ای ایران در دهه هشتاد با قرار گرفتن نام ایران در محور شرارت آمریکا اوج گرفت. در این برهه دستگاه رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خدمت اهداف حاکمیتی قرار گرفت و ادبیات هسته‌ای برای مقابله با فشارهای بین‌المللی به طور خاص وارد ادبیات سیاسی و رسانه‌ای کشور شد. (سلطانی‌گرد فرامرزی و اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۱۰) این موضوع که با مذاکرات گوناگون در دولت اصلاحات منجر به یک توافق بین ایران و قدرت‌های اروپایی شده بود، به توافق پاریس منجر شد. براساس توافق پاریس، دو طرف بار دیگر بر تعهدات خود در توافق سعدآباد تأکید کردند. فراتر از این، ایران در زمینه دامنه و گستره تعلیق، نظر اروپا را مبنی تعلیق کل فعالیت‌های غنی‌سازی پذیرفت. همچنین مقرر شد تا زمان دستیابی به یک توافق کامل، تعلیق غنی‌سازی به عنوان یک اقدام داوطلبانه و نه الزام‌آور حقوقی ادامه پیدا کند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۰۲) هرچند با ادامه مذاکرات توافقاتی میان طرفین حاصل شد، اما روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴، باعث رد شدن تعهدات ایران و کنار گذاشتن این تعهدات شد که در نهایت به از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران و آغاز مجدد تنش‌ها با غرب و حتی کشورهای منطقه انجامید.

برخی رؤسای جمهور نظیر احمدی‌نژاد با استفاده از ظرفیت حضور در مجامع بین‌المللی برای اعلام مواضع هسته‌ای کشور، نقش مهمی در کسب اعتبار، در دسترس قرار دادن و به-کارگیری رویه‌های طرد و برجسته‌سازی گفتمان هسته‌ای و در نتیجه هژمونیک شدن این گفتمان ایفا کرد. (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۴: ۴۳) همچنین استفاده از واژگان حق مسلم ملت ایران، پیشرفت، عدالت و مقاومت از جمله ابزارهای گفتمان عدالت برای غلبه دادن هژمونیک گفتمان هسته‌ای دولت بود. (سلطانی و اشرفی، ۱۳۹۷: ۱۱۶) با گذشت زمان و روی کار آمدن دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی، سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال برنامه هسته‌ای تغییرات محسوس پیدا کرد. به طوری که روحانی از همان ابتدا درصدد حل این مناقشه طولانی برآمد. مقامات ایران به صراحت موضوع هسته‌ای را حق مسلم ایران می‌دانند و بر تهدیدهای ساختگی ناشی از بمب‌های هسته‌ای، واکنش نشان می‌دهند. روحانی در این زمینه می‌گوید: «ایران و دیگر کنشگران باید دو هدف مشترک را به عنوان دو قسمت غیرقابل تفکیک راه‌حل سیاسی پرونده هسته‌ای ایران دنبال نمایند: ۱. برنامه هسته‌ای ایران و همه کشورهای دیگر می‌باید تنها در جهت اهداف صلح‌آمیز باشد. من اینجا به صراحت اعلام می‌کنم که این هدف، صرف نظر از مواضع دیگر بازیگران، هدف جمهوری اسلامی ایران بوده و خواهد بود. سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی ایران نداشته و با باورهای بنیادین مذهبی و اخلاقی ما در تعارض است. منافع ملی ما ایجاب می‌کند که هرگونه

نگرانی منطقی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران را مرتفع نماییم. ۲. هدف دوم یعنی پذیرش اعمال حق غنی‌سازی و سایر حقوق هسته‌ای در خاک ایران تنها راه تأمین هدف اول است. دانش هسته‌ای در ایران بومی شده و فناوری هسته‌ای از جمله غنی‌سازی به مرحله تولید انبوه رسیده است. تصور اینکه با ممانعت از برنامه هسته‌ای ایران از طریق اعمال فشارهای غیرقانونی می‌توان صلح‌آمیز بودن چنین برنامه‌ای را تضمین کرد، موهوم و به‌غایت غیرواقعی‌بینانه است. لذا ج.ا.ایران ضمن پافشاری بر اعمال حقوق خود و ضرورت احترام و همکاری بین‌المللی در اعمال این حقوق، آماده گفتگوهای بدون تأخیر برای اعتمادسازی متقابل و رفع دوسویه ابهامات از طریق شفافیت کامل می‌باشد». (روحانی، ۱۳۹۲/۷/۳) به گفته وی: «ایران برخلاف تصویرسازی بنیادگرایانه‌ای که از سوی بنگاه‌های دروغ‌پرداز و جنگ‌افروز بر آن تحمیل می‌شود، هیچگاه از نقطه‌نظر تقابل امر "ملّی" و امر "جهانی"، حرکت نکرده است و دفاع ما از جنبش‌های حق-طلبانه جهان، به هیچ‌وجه به مفهوم تقابل با ارزش‌های مقبول و مشروع انسانی و به معنای مداخله در امور داخلی دیگران نیست. برعکس، نظریه‌گفتمانی ایران برعلیه سلطه‌گری و جهان‌آشوبی، به همان اندازه که ریشه در آرمان‌های دینی ما دارد، از پیشرفت‌های فکری نوین و ادبیات آزادیخواهی جهانی و اصول منشور ملل متحد نیز برخوردار است. آرمان‌هایی نظیر استقلال، آزادی، جمهوریت، مردم‌سالاری و حق تعیین دموکراتیک سرنوشت در پای صندوق‌های رأی، به همان اندازه که دینی و ملّی است، سرشتی جهانی دارد» (روحانی، ۱۳۹۵/۶/۲۷). اتخاذ چنین رویکردی در نهایت به ایجاد یک توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و شش کشور روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان شد که البته هنوز تردیدهای کشورهای منطقه را درباره خطر ایران هسته‌ای از بین نبرده است. هرچند برهم خوردن توافق برجام برخی پیش‌بینی‌ها در زمینه بهبود رابطه با غرب را از بین برد، اما دارا بودن توانمندی هسته‌ای بخش مهمی از راهبرد پیشینه‌سازی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس است.

صرف نظر از اینکه از نظر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، خروجی [مذاکراتی] که به یک توافق منجر شود، ممکن است مورد علاقه اعضای شورای همکاری خلیج فارس نباشد، زیرا چنین توافقی از نظر آنان توازن منطقه‌ای را برهم می‌زند (Abdullah, 2014: 7). بدین معنا که جمهوری اسلامی از توان غنی‌سازی هسته‌ای برخوردار می‌شود که ممکن است در آینده بر کشورهای منطقه تسلط پیدا کند. به‌طور خلاصه این کشورها، پیوند ایران شیعی انقلابی و هسته‌ای را پیوندی برای بی‌ثبات کردن منطقه و ناامن کردن منطقه خلیج فارس و کشورهای خود می‌بینند. به همین دلیل باید گفت در زمینه انرژی هسته‌ای نیز دولت‌های عضو شورای

همکاری خلیج فارس هرگز از ایران غفلت نمی‌ورزند. (Alajmi, 2014: 53) به نظر می‌رسد موضوع هسته‌ای ایران یکی دیگر از مسائلی است که باعث شده تا روابط قدرت‌های غربی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مجدداً شکل تازه‌ای به خود بگیرد. کشورهای عضو شورا با تهدید جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران در صدد متقاعد کردن قدرت‌های بین‌المللی برای مقابله با ایران هستند. از همین جهت، قدرت‌های غربی همواره با انتقاد از برنامه هسته‌ای ایران، موضعی به نفع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اتخاذ کرده است. چنانچه گفته می‌شود: «امکان ایفای نقش مخرب بریتانیا در حوزه منافع ملی ایران از جمله تحریک و همراهی این کشور با کشورهای حوزه خلیج فارس جهت اعمال فشار بر ایران، تلاش دیپلماتیک بریتانیا در همراه کردن سایر اعضای اتحادیه اروپا علیه ایران، اعمال فشار در مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت و ۱+۵ در راستای افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی برای ایران، نقش بریتانیا در همراه کردن آمریکا و تأثیرگذاری بر لابی‌های مخالف ایران در این کشور، همگی از عوامل لزوم توجه جدی به روابط بین دو کشور در مقطع فعلی و تلاش برای ارائه الگوی سازنده و مناسب برای هدایت روابط میان آنان می‌باشد». (صاحبی، ۱۳۹۱: ۴۳۴) با این حال، هرچند در مقاطعی جمهوری اسلامی در صدد برقراری روابط دیپلماتیک با اعضای ۱+۵ برآمد، اما این روابط هرگز به معنی رویگردانی کشورهای غربی در حمایت از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیست.

معنای بازدارندگی هسته‌ای از سوی برای قدرت‌های غربی از جمله آمریکا و برخی کشور-های عربی منطقه خلیج فارس آن است که در صورت هسته‌ای شدن ایران و انحراف آن به سوی سلاح‌های هسته‌ای، احتمال به کارگیری آن علیه اسرائیل و محو نمودن آن از نقشه جهانی وجود دارد. به علاوه، غربی‌ها معتقدند هسته‌ای شدن ایران، احتمال تعقیب سیاست‌های هسته‌ای را به ویژه از جانب کشورهای ترکیه و عربستان، برای جلوگیری از هژمونی منطقه‌ای ایران را تقویت می‌کند و این چرخه ممکن است به کشورهای دیگر نظیر سوریه و مصر نیز گسترش یابد و در نهایت نظم و امنیت منطقه‌ای خاورمیانه و امنیت بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد. در کنار این عوامل مذکور بعضی معتقدند و نگران این هستند که با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای گروه‌های فلسطینی و حزب‌الله لبنان که به زعم آنها در زمره گروه‌های تروریستی قرار دارند، به تسلیحات کشتار جمعی مجهز خواهند شد و این امر روند صلح خاورمیانه میان فلسطین و اسرائیل را دگرگون خواهند نمود. (رهبر و صحیح‌النسب، ۱۳۹۳: ۲۴۰) با توجه به اینکه سیاست هسته‌ای ایران سیاستی صلح‌آمیز است، حفظ این رویکرد و پیگیری مسالمت-آمیز بودن آن از طریق مجاری حقوقی بین‌المللی خواهد توانست بر افزایش توان بازدارندگی

جمهوری اسلامی ایران در منطقه بیفزاید. مهم‌ترین راه‌حل در این زمینه، رفع سوءبرداشت‌های موجود کشورهای منطقه از تهدیدآمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران است.

نتیجه‌گیری

داشتن ابزارهای لازم برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت آشوب‌زده خلیج فارس، نیازمند اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه و البته داشتن ابزارهای نسبتاً برابر با سایر کشور-های منطقه است. به عنوان مثال هنگامی که اسرائیل از سلاح هسته‌ای برخوردار است و حمایت مستقیم و غیرمستقیم بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده امریکا را با خود به همراه دارد، سایر بازیگران مؤثر از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز برای ارتقای بازدارندگی خود نیازمند داشتن چنین ابزارهایی هستند. یعنی هم از سلاح‌های مشابه برخوردار باشند و هم اینکه حمایت یک بازیگر بزرگ جهانی را پشت سر خود داشته باشد. به این ترتیب استدلال این است که از جمله دلایل توجه به بازدارندگی از سوی ایران می‌تواند شامل موارد زیر باشد: اول اینکه، بازیگران غیردولتی الزاماً ترسی از عواقب تهاجم خود نداشته باشند و بازدارندگی حتی از نوع هسته‌ای برای آنها بی‌معنا باشد. نمونه بارز این وضعیت، نمایش قدرت حزب‌الله و حماس در مقابل اسرائیل است؛ دوم، بازدارندگی در شرایطی موفق است که طرفین رقابت یا منازعه اگر نه از ابزار بازدارنده برابر، حداقل از ابزار بازدارنده قابل مقایسه برخوردار باشند. در غرب آسیا، اسرائیل تنها دارنده تسلیحات هسته‌ای است و نوعی بازدارندگی یکجانبه به وجود آورده که شکننده‌ترین نوع بازدارندگی است. علاوه بر این، اساسی‌ترین تهدیدات علیه این رژیم از سمت گروه‌های غیردولتی است که بازدارندگی هسته‌ای در مورد آنها ناکارآمد است؛ سوم اینکه، برخلاف منطق محافظه‌کارانه بازدارندگی، امن‌ترین کشورها در غرب آسیا مداخله-گراترین کشورها هستند. در صورتی که کارآمدی بازدارندگی مستلزم نوعی محافظه‌کاری در سیاست امنیتی است؛ و چهارم اینکه، بازدارندگی در شرایطی موفق است که بازیگران امنیتی حداقل امنیت وجودی داشته باشند اما در غرب آسیا، اسرائیل از گذشته و عراق، سوریه و یمن هم‌اکنون فاقد امنیت وجودی هستند و طبیعتاً در این شرایط توفیق بازدارندگی بسیار دشوار است. به همین دلیل داشتن ابزارها و شرایط مناسب از سوی ایران در قیاس با سایر بازیگران منطقه‌ای به شکل بهتری می‌تواند بازدارندگی ایران در منطقه آشوبی و پیچیده خلیج فارس را سامان ببخشد. بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و ارتباط با گروه‌های شیعی و جبهه مقاومت در منطقه از جمله راهکارهای مهم دیگری است که می‌تواند به ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس یاری رساند.

منابع فارسی

کتب

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰)، *ویژگی‌های انقلاب اسلامی*، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی قدر ولایت
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، جلد‌های ۱۰، ۱۳، ۲۱، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۳)، *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- ترابی، قاسم (۱۳۹۰)، *فرهنگ راهبردی و بازدارندگی ایران*، در: *فرهنگ راهبردی ج.ا.ا.* به اهتمام محمود عسگری، نامه دفاع، شماره ۲۶
- حسین اطهری، مهدی عباسی شاهکوه (۱۳۹۳)، *کنشگر و کنش پذیر در بیداری اسلامی؛ از منظر گفتمان امام خمینی*، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان
- حسین کبریایی‌زاده، راضیه میرزایی‌فرد (۱۳۹۰)، *از امنیت لویاتانی تا امنیت نرم، مفهوم سازی امنیت نرم در عصر قدرت هوشمند*، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۴، دی ماه
- صاحبی، محمد (۱۳۹۱)، *روابط ایران و بریتانیا، چالش‌های گذشته و حال*، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۲، تابستان
- عباسعلی رهبر، جواد صحیح‌النسب (۱۳۹۳)، *بررسی چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در خلیج فارس*، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۶
- عسگری، محمود (۱۳۹۰)، *فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، نامه دفاع، شماره ۲۶
- غلامرضا کریمی، جلال ترکاشوند (۱۳۹۴)، *سیاست‌های راهبردی دولت اوباما بعد از تحولات درون سیستمی منطقه خاورمیانه با محوریت انقلاب‌های مردمی ۲۰۱۱*، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز
- فرهاد عطایی و همکاران (۱۳۹۰)، *دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، ایران و آمریکا در عراق جدی*، فصلنامه سیاست، دوره چهل‌ویکم، شماره سوم
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، *نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول

- مسعود بیات، داود بیات (۱۳۹۴)، بررسی رابطه معرفت‌شناسی و اندیشه سیاسی امام خمینی با تأکید بر اصل ولایت فقیه، دو فصلنامه علمی- پژوهشی «سیاست‌نظری»، شماره هفدهم، بهار و تابستان

- محمدحسن خانی، حجت‌الله نوری‌ساری (۱۳۹۲)، تحلیل و بررسی مواضع انگلستان در قبال تحولات اخیر خاورمیانه مطالعه موردی؛ بحرین، سوریه و مصر، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره یازدهم، بهار

- محمدرضا دهشیری، اسماعیل مقامی (۱۳۹۴)، بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان - محمدجواد فتحی و همکاران (۱۳۹۹)، جایگاه راهبرد بازدارندگی برون مرزی در منظومه دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۲

- محمدصادق کوشکی و همکاران (۱۳۹۸)، خروج آمریکا از برجام و مقابله با راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه سیاست اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۵

- نوری‌فرد، فاطمه (۱۳۸۶)، بازدارندگی، مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن (مطالعه موردی ایران و آمریکا)، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷

- هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده (۱۳۹۶)، تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سی‌ام، بهار

English Resources

- Abdullah, Jamal (2014), **Gulf cooperation Councils; challenges and Prospects**, Aljazeera Center for Studies
- Al Hassan, Omar Said (2014), **The GCCs Formation; The official Version, in Gulf cooperation Councils; challenges and Prospects**, Aljazeera Center for Studies
- Alajmi, Zafar (2014), **Gulf military Cooperation: Tangible Gains or Limited Results? in Gulf cooperation Councils; challenges and Prospects**, Aljazeera Center for Studies
- Cordesman, Anthony (2016), **The Changing Gulf Balance and the Iranian Threat security**.Center for strategic and International Studies, Washington
- Kishk, Ashraf (2014), **In Wake of the Iranian Presidential Elections Results and Nuclear Agreement Gulf-Iranian Relations: Facts & Future Perspectives**, strategic studies, March
- Takagi, Shinji (2012), **Establishing Monetary Union in the Gulf Cooperation Council; What Lessons for Regional Cooperation?** No.390, Asian Development Bank Institute